



میرباقری: «در پاسخ دوستانی که می‌پرسند تو چرا این کارها را می‌کنی می‌گویم که اگر من نکنم پس چه کسی باید بسازد. بالاخره يك نفر باید این کارها را انجام دهد. مسیر مهمی است و دنیا هم در همین مسیر خوب حرکت می‌کند و کارهای مؤثری می‌سازند.»

چرا سریال «امام علی (ع)» یکی از بهترین سریال‌های تاریخ تلویزیون بوده و هنوز جذاب است؟

کوفه در لانگ‌شات



علی سیف‌الهی
روزنامه‌نگار

باید به ۲۳ سال قبل برگردیم. به زمانی که هنوز ساخت سریال‌های الف و مذهبی در ایران یا حتی دیگر کشورهای منطقه جایی نداشت. به سال ۱۳۷۵. به شب‌هایی که سریال «امام علی (ع)» خیلی زود محبوبیتی وسیع و همه‌گیر پیدا کرد. به روزگاری که تلویزیون تنها رسانه فراگیر بود و با قدرت جادویی بعضی سریال‌هایش خیابان‌ها را خلوت می‌کرد. امام علی (ع)، داوود میرباقری می‌توانست یکی از آنها نباشد. می‌توانست از دانسته‌ها و مشهورات تاریخی فراتر نرود و چیزی به حافظه بصری مردم اضافه نکند. می‌توانست روایتی معمولی تحویل بیننده‌های تلویزیون بدهد که مردم کوچه و

خیابان، عارف و عامی چیزهای بیشتری از آن بدانند. داوود میرباقری اما پیش‌فرض‌ها را به هم ریخت. میرباقری تاریخ را جوری نشانمان داد که پس از آن ساخت سریال‌های این چنینی در ایران، ترکیه و... رواج پیدا کرد. البته کارش به قدری خوب بود که سعودی‌ها از دستش عصبانی شدند و دستور دادند پخش این سریال در کشورشان ممنوع شود. روایت‌ها و شخصیت‌پردازی‌ها و اجرای هنرمندانه میرباقری و گروهش نام سریال امام علی (ع) را در تاریخ آثار نمایشی ایران و اسلام جاودانه کرد. البته فقط بحث نحوه روایت و... در میان نیست. استفاده هنرمندانه از دوربین ۳۵ میلی‌متری که مخصوص آثار سینمایی است رنگ و لعابی به سریال داده که به این زودی‌ها کهنه نمی‌شود.

واشقا در طول تاریخ به وجود آمده و در پرداخت

دراماتیک، نباید این شخصیت‌ها را دست‌کم گرفت. میرباقری تقسیم‌بندی سفید و سیاه مرسوم سریال‌های مشابه را کنار گذاشته و سعی کرده شرایط واقع‌بینانه آن روزگار را نشان بدهد. در نظر او این شخصیت‌ها ویژگی‌های قابل باوری دارند که باعث شده در آن روزگار عده‌ای جذب شخصیت‌شان شوند و حکومت بعضی‌هاشان سال‌ها ادامه پیدا کند. نمایش شمایل دیوگونه این شخصیت‌ها می‌توانست پاشنه آشیل طراحی شخصیت‌ها باشد و کشمکش‌های جذاب و دیدنی جبهه خیر و شر را کم کند. حالا به این ریزه‌کاری‌ها، بازی فراموش‌نشده بازیگرهایی مثل مرحوم مهدی فتحی را هم اضافه کرده تا درک کنید، چرا شخصیت‌هایی مانند عمروعاص گوشه‌ای از ذهن ما ماندگار شده‌اند.

خوش‌ریتیم و هماهنگ

نگاه کنید به تعدد شخصیت‌ها و پیوستگی

تاریخ + درام

يك بار از داوود میرباقری پرسیده بودند چقدر از «مختارنامه» به تاریخ وفادار است و چقدر حاصل تخیل شماست و او پاسخ داده بود فقط ۳۰ درصد طبق تاریخ است و ۷۰ درصد بر اساس تخیل شکل گرفته. این راز ماندگاری آثار اوست. او به درستی می‌داند تاریخ فقط نقاط اوج حوادث را ثبت کرد، نقاط عطف يك مسیر تاریخی که جزئیات ندارد. او می‌داند اگر بخواهد به مکتوبات و وقایع تاریخی اکتفا کند، هیچ تصویر روشن و شفافی از شخصیت‌ها، ظرایف تصمیم‌گیری‌ها و خلقیات آنها و... پیدا نمی‌کند. او با جسارت و با خلق دراماتیک این جزئیات، چفت و بست به عملکرد شخصیت‌ها و قصه می‌دهد که فیلم‌نامه‌هایش را از نمونه‌های کلیشه‌ای مشابه متمایز می‌کند. توانایی منحصربه‌فردی که تاریخ تلویزیون شهادت می‌دهد فقط در جنگ اوست.

علیه سیاه و سفید

يك بار شخصیت‌های جذاب سریال را با خودتان مرور کنید؛ معاویه، عمروعاص، قطام و... اشقایای معروف داستان که میرباقری با ذوق و ظرافت شخصیت‌پردازی کرده. کاری که تخصص همیشگی اوست. او به درستی معتقد است تقسیم‌بندی اولیا

قهرمان در سایه

سریال امام علی (ع) می‌توانست جذاب‌تر باشد؟ بله، تجربه‌های بعدی و نگاه میرباقری به پشت سر نشان می‌دهد استراتژی او در ساختار روایت می‌توانست جذابیت امام علی (ع) را از همین هم بیشتر کند؛ «شاید اگر در سریال امام علی (ع) هم فقط داستان مالک اشتر را می‌ساختیم، هم به لحاظ ساختاری جذاب‌تر درمی‌آمد و هم خودبه‌خود بخشی از زندگی امام علی (ع) روایت می‌شد. چون در شکل فعلی که نتوانستیم چیزی از حضرت را نشان دهیم. وقتی این مشکلات نمایشی را داریم، کاش قهرمان را کس دیگری در حاشیه انتخاب می‌کردیم تا بتوانیم قصه را درست روایت کنیم. یکی از مشکلات آن سریال همین بود دیگر؛ شخصیت محوری نداشت. ما در واقع امام علی (ع) را ناساختیم، چون ایشان را نمی‌شد نشان داد. در آن سریال، خود موضوع و تاریخ اهمیت داشت. نه درام. «میرباقری مختارنامه را کار کامل‌تری می‌دهد، چون نسبت به کارهای دیگرش دغدغه‌های دراماتیک او بیشتر محقق شد. قهرمان اصلی سریال همان کسی بود که مسیر قصه را تعیین می‌کرد. حالا قضاوت کنید کار او در سریال امام علی (ع) چقدر سخت و حساس بوده است.

سلمان می‌آید

داوود میرباقری این روزها مشغول پروژه بزرگ سلمان فارسی است؛ پروژه‌ای که نام میرباقری را بیش از پیش در تاریخ آثار نمایشی ایران ماندگار و جاودانه خواهد کرد. مسیری که خودش همیشه می‌داند چقدر اهمیت دارد؛ «در پاسخ دوستانی که می‌پرسند تو چرا این کارها را می‌کنی می‌گویم اگر من نکنم پس چه کسی باید بسازد. بالاخره يك نفر باید این کارها را انجام دهد. مسیر مهمی است و دنیا هم در همین مسیر خوب حرکت می‌کند و کارهای مؤثری می‌سازند.»

همچو سعدی

اگر بخواهیم دستاوردهای میرباقری در امام علی (ع) و البته کارهای بعدی‌اش را فهرست کنیم، دیالوگ‌نویسی حتما در سه ویژگی برتر آنهاست؛ دیالوگ‌نویسی کلاسیک که شبیه هیچ اثر تاریخی دیگری نیست و با ادبیات کهن فارسی گره می‌خورد و هویت

